

تأثیر راست‌گرایی افراطی اسرائیلی‌های روس‌تبار ضد فلسطینیان بر رشد گروه‌های یهودی نئونازی در اسرائیل

محمد پاکدامن^{۱*}

ابوذر گوهری مقدم^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین منابع افراط‌گرایی، نارضایتی و احساس شکست است که می‌تواند تمایل افراطی را برای غیریت‌سازی و اتحاد بر مبنای اشتراک‌های «خودی‌ها» و تفاوت‌های موجود با «دیگران» ایجاد کند؛ اما تعریف این دو گروه، ایستا نیست بلکه به میزان گسترش افراطی‌گری و راست‌گرایی، «خودی‌ها» محدودتر و «دیگران» گسترده‌تر می‌شوند.

هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر راست‌گرایی افراطی، ضد عرب‌ها و تأثیر این غیریت‌سازی بر رشد گروه‌های نئونازی یهودی در اسرائیل است؛ این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی از نوع پس‌واقع‌های بوده و داده‌های مورد نیاز آن با بررسی اسناد و آمارهای موجود درباره گروه‌های نئونازی یهودی جمع‌آوری شده‌است.

در نوشتار حاضر، روس‌های اسرائیلی، در مقام یکی از ناراضی‌ترین کاست‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی بررسی شده‌اند؛ این پژوهش، پس از بررسی جوانب نارضایتی روس‌های اسرائیلی و بیان عوامل شکل‌گیری و زیایی آن، به رشد حزب راست‌گرای افراطی اسرائیل بیتنو به زعامت آویگدور لیبرمن روس‌تبار و همچنین اقبال روس‌ها در جایگاه پرجمعیت‌ترین گروه قومیتی، به این حزب می‌پردازد.

لیبرمن و حزب اسرائیل بیتنو بر طبل دشمنی با عرب‌ها می‌کوبند و با اتخاذ شدیدترین رویکردها ضد فلسطینیان، برای متحدکردن خودی‌ها تلاش می‌کنند؛ این غیریت‌سازی که در زمان جنگ به حداکثر میزان خود می‌رسد، مولد خشونت ضد دشمنان عرب و افزایش بسیج اجتماعی است؛ اما یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که پس از پایان جنگ، خشونت و غیریت‌سازی درون جامعه صهیونیستی جریان می‌یابد و با تحدید گروه «خودی‌ها»، نوک پیکان را از دشمن خارجی عرب متوجه مخالفان داخلی می‌کند؛ بنابراین این غیریت‌سازی به مثابه شمشیری دولبه، اگرچه در کوتاه‌مدت، بسیج اجتماعی میان اسرائیلی‌ها را موجب می‌شود، در بلندمدت، تسری غیریت‌سازی به درون جامعه صهیونیستی و فراهم آمدن بستری برای تسویه حساب‌های قومیتی را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: راست‌گرایی افراطی، نئونازیسم یهودی، روس‌های اسرائیلی، اسرائیل بیتنو، آویگدور لیبرمن.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

مقاله پژوهشی

(نویسنده مسئول: Email: m.pakdaman@isu.ac.ir)

صفحه ۲۸-۱

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع) Email: gohari@isu.ac.ir

مقدمه

درباره شکاف‌های قومیتی اسرائیل در آثار پژوهشگران، گاه به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم سخن به میان رفته است اما به «اقدام‌های نژادپرستانه اسرائیلی‌هایی که از مناطق مختلف جغرافیایی آمده‌اند»، کمتر توجه شده است؛ این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که جامعه صهیونیستی اسرائیل که در سایه همیشگی هولوکاست زندگی می‌کند، انتظار نداشته با یهودیان یهودستیز، مواجه شود که این پدیده، نظام ارزشی حاکم را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است (Sela-Shayovitz, 2011, p. 67). در این میان، مهاجرانی که از شوروی سابق آمده‌اند، سهمشان در تشکیل گروه‌های نژادپرست یهودستیز، قابل توجه بوده است؛ اما چرایی این تمایل به تندروری، بیش از بررسی سیر تاریخی آن اهمیت دارد چراکه این روند همچنان ادامه داشته، به گروه‌های قومیتی دیگر به جز روس‌ها تسری می‌یابد.

در این مقاله تلاش شده است تا با بیان دلایل این گرایش و تأثیری که از سیاست‌های راست‌گرایانه افراطی مسئولان اسرائیلی می‌پذیرند، مدلی برای تحلیل آینده این گروه‌ها و ارتباط آنها با غیریت‌سازی فزاینده ضد عرب‌ها ارائه شود؛ در همین راستا روس‌ها در مقام بازیگران اصلی این جنبش، پس از مواجهه با غیریت‌سازی^۱ جامعه اسرائیلی و عدم بهبود وضع اقتصادی‌شان، احساس کردند، شکست خورده‌اند؛ گروهی از نسل‌های^۲ ۱،۵ به بعد به گرایش‌های راست افراطی و عقاید فاشیستی و جرایم خشونت‌بار ضد سایر شهروندان اسرائیلی (و از جمله یهودیان) روی آورده‌اند تا مخالفت خود را با وضع موجود نشان داده، به نوعی انتقام بگیرند.

از اساس، این پرسش، مطرح است که «آیا ارتباطی میان رفتارهای سیاست‌مداران اسرائیلی و گروه‌های اسرائیلی یهودستیز وجود دارد؟»؛ در پاسخ باید گفت که به اهمیت صعود روس‌هایی راست‌گرا مانند آویگدور لیبورمن تا وزارت جنگ و تأثیر احتمالی آن بر رشد عدم رواداری اقلیت‌های قومیتی و گسترش نژادپرستی به عنوان سازوکاری برای ابراز مخالفت با وضع موجود، باید توجه شود.

چنین می‌نماید که با گسترش حضور راست‌گرایان در عرصه سیاست اسرائیل و گسترش عرب‌ستیزی از طریق این افراد، اقدام‌های نژادپرستانه گروه‌های نئونازی، درون جامعه صهیونیستی

1 . Otherness

۲ . افرادی که متولد شوروی سابق ولی بزرگ‌شده اسرائیل بوده‌اند و مهاجرت در زمان کودکی آنها رخ داده است.

روبه‌افزایش می‌گذارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند، مادامی‌که نژادپرستی ضد فلسطینیان از سوی مقام‌های رژیم صهیونیستی افزایش می‌یابد، این تنفر به‌صورت شمشیر دولبه عمل می‌کند؛ مقام‌های صهیونیست می‌کوشند تا از طریق بسیج اجتماعی ضد فلسطینیان، همبستگی اجتماعی را افزایش دهند اما این اقدام، خود به بستری برای تسویه‌حساب‌های قومیتی تبدیل خواهد شد که این مهم با تخریب هویت ملی و تقویت قومیت در مقابل آن، لطمه‌هایی جبران‌ناپذیر را بر پیکر جامعه صهیونیستی وارد می‌کند.

در این مقاله برای پاسخ به ارتباط میان راست‌گرایی افراطی و نفرت‌پراکنی ضد عرب‌ها و رشد گروه‌های نئونازی، ابتدا گروه پاترول ۳۶ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها بررسی شده و سپس با ارائه مدلی مفهومی به بیان سازوکار شکل‌گیری این گروه‌ها پرداخته شده‌است؛ در ادامه با بررسی آمار جرایم نژادپرستانه، روند این گرایش‌ها در آینده پیش‌بینی شده‌است.

الف- بررسی ادبیات موضوع و پیشینه پژوهشی

به دلیل حساسیت این موضوع، دولت اسرائیل، همواره وجود گروه‌های نئونازی را انکار کرده‌است؛ بنابراین منابع پژوهشی در این باب، بسیار اندک و انگشت‌شمارند؛ در ادامه به‌اجمال به بررسی پژوهش‌های موجود می‌پردازیم؛ تیتزمن با مقایسه اقلیت روس در آلمان و اسرائیل، به ناکامی‌های جوانان روس در سه حوزه زبانی، خانوادگی و وجود تبعیض‌ها اشاره و ثابت می‌کند که در مقایسه با اقلیت روس ساکن آلمان، وضع این اسرائیلی‌های روس تبار بدتر بوده، در آینده نیز بهبود نمی‌یابد؛ چراکه برخلاف روس‌های آلمان، در اسرائیل با گذشت زمان، مشکل‌هایی نظیر خشونت خانگی، ناتوانی در برقراری ارتباط قوی میان اعضای خانواده و مواجهه با عبری به‌عنوان زبانی بیگانه، در کنار تبعیض‌هایی که روزانه در مدارس، خیابان‌ها و به‌طورکلی در بدنه جامعه صهیونیستی با آن مواجه‌اند، همچنان وجود دارد (Titzmann, Silberein, Mesch, & Schmitt-Rodermund, 2011, p. 786)؛ اما او با بی‌توجهی به عامل سیاسی، از رشد راست‌گرایی در آفاق سیاست اسرائیل و تأثیر آن بر پدیده نژادپرستی و نئونازیسم غافل بوده‌است.

سلا شیوریتز، توجه خود را به دو عامل جهانی شدن و مهاجرت معطوف داشته‌است؛ او با بررسی گروه‌های نئونازی در اروپا و آمریکا، عامل فرهنگ و طرد قومیتی از سوی فرهنگ میزبان را عاملی آشکار در انزوای مهاجران و تقویت گرایش‌های نژادپرستانه در میان آنها می‌داند؛ علاوه‌بر آن، عواملی مانند جهانی شدن و انتشار ایدئولوژی فاشیستی بر اثر گسترش فضای مجازی و تسهیل دسترسی به

محتوای نژادپرستانه مانند موسیقی‌های راک قدرت سفید،^۱ در کنار ورود نژادپرستان از طریق عامل مهاجرت را به‌عنوان رکن دوم تحلیل خویش اقامه می‌کند (Sela-Sheyovitz, 2012, p. 214)؛ اگرچه او در جایی دیگر به‌صورت حاشیه‌ای به نقش عامل سیاست، آن هم به نقل از روزنامه‌های اسرائیلی می‌پردازد، پرداختن به سیاست، موضوع اصلی نبوده و تغییر نظام ارزشی حاکم در جامعه مراد بوده است (Sela-Shayovitz, 2011, pp. 67-82).

خالد سعید، دلیل شکل‌گیری گروه‌های نژادپرست روس در اسرائیل را به‌اجمال دو عامل می‌داند: نخست، ویژگی منحصر به فرد این کاست و تنفر آنان از غیر خودشان و عامل دوم، گرایش به نژادپرستی به‌عنوان بازخوردی در برابر رویکرد تحقیرآمیز جامعه صهیونیستی اسرائیل؛ تحلیل سعید نیز همچون موارد پیشین، جنبه سیاسی ندارد (سعید، ۲۰۱۴).

رونن برگمن در گوشه‌ای از کتاب خود به پدیده گروه‌های ترور یهودی اشاره کرده که روس‌ها در سال‌های پیش از اشغال فلسطین، آنها را ایجاد کرده‌اند و خاطر نشان می‌کند که این جوخه‌های ترور، یهودیان مخالف تشکیل دولت صهیونیستی را نیز به‌قتل می‌رساندند؛ وی در توضیح این گروه‌ها بر ویژگی عملگر بودن روس‌ها تأکید می‌کند (Bergman, 2018).

اسعد غانم نیز، همچون برگمن با بیان پیشینه قتل یهودیان مخالف توسط روس‌های اسرائیلی، تنها بر ویژگی عملگر بودن آنها تکیه می‌کند (Ghanem, 2013).

در مجموع، جای خالی نگاهی ژرف به وضعیت سیاسی روس‌ها و ارتباط آن با رشد گرایش‌های نژادپرستانه در اسرائیل و راست‌گرایی افراطی ضد فلسطینیان حس می‌شود و از همین رو، این نوشتار، پدیده گروه‌های یهودی نئونازی را از نقطه نظر سیاسی بررسی می‌کند.

ب- روش پژوهش

نوشتار حاضر به روش توصیفی و با شیوه تحلیل علی^۲ یا پس‌رویدادی^۲ نگارش شده است؛ این روش همان‌طور که از نام آن پیداست، درخصوص آن دسته پژوهش‌هایی است که به بیان علل واقعه پس از وقوع آن همت می‌گمارد؛ برگزیدن این رویکرد به دلیل مطرح بودن آن به‌عنوان مناسب‌ترین روش مطالعات اجتماعی در مواقعی است که امکان دخل و تصرف در نمونه‌ها یا دسترسی به آنها

1 . White Power

2 . Ex Post Facto Research

وجود ندارد؛ این شیوه تحلیل را می‌توان برای پژوهش‌های علی و معلولی، شبه‌آزمایش‌ها^۱ و تأثیرهای متقابل^۲ که در آنها امکان اجرای آزمایش حقیقی به دلایل اخلاقی یا عملی وجود ندارد، به‌کارگرفت. پژوهش در تحقیق‌های پس‌رویدادی با یکی از اهداف زیرصورت می‌گیرد:

- توضیح یک پدیده براساس شرایط پیش از وقوع آن؛

- نشان‌دادن تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر؛

- سنجش یک فرضیه با استفاده از روش‌های آماری (Simon & Goes, 2018).

درحقیقت در تحقیق‌های اجتماعی، محقق با استفاده از روش تحلیل پس‌رویدادی، با مشاهده پدیده موجود، به دنبال کشف ارتباط‌های میان آن پدیده و حوادث پیش از آن است که می‌توانند عواملی قابل قبول باشند (Kerlinger & Rint, 1986, p. 379)؛ یکی از تفاوت‌های ماهوی این روش با سایر روش‌ها، در نمونه‌آزمایشی است؛ در سایر روش‌ها لازم است نمونه را به گروه‌های مشابه تقسیم‌بندی کرده، آنها را در معرض آزمایش و تحقیق قرارداد اما روش تحلیل پس‌رویدادی، از اساس با گروه‌هایی کارمی‌کند که به‌نوعی با سایرین تفاوت دارند و با توجه به عوامل پیشین، به دنبال کشف آن تفاوت‌هاست؛ نقاط ضعف و قدرت این روش نیز در همین نکته نهفته است که ازطرفی نمی‌توان نمونه‌ها را به‌صورت تصادفی برگزید چراکه گروه نمونه، از پیش معلوم و متمایز است؛ البته همان‌طور که گفته شد، این کاستی نیز در ماهیت موضوع ریشه دارد که بررسی مستقیم و متعارف آن را ناممکن می‌سازد و دیگر آنکه برخلاف سایر روش‌ها، محقق بر گروه‌های نمونه تسلط نداشته، از اساس نمی‌توان نمونه‌ها را به دو گروه «نمونه و کنترل» تقسیم کرد.

ازسوی دیگر، این روش، پدیده‌هایی را که بررسی آنها به دلیل ناتوانی محقق در تغییر نمونه‌ها ناممکن می‌نمود، به یک پژوهش بدل کرده است و پژوهشگر با شناسایی علت‌ها، رویکرد تحلیلی پس‌رویدادی را برای تحلیل آن پدیده برمی‌گزیند (Cohen, Manion, & Morrison, 2000, pp. 208-209).

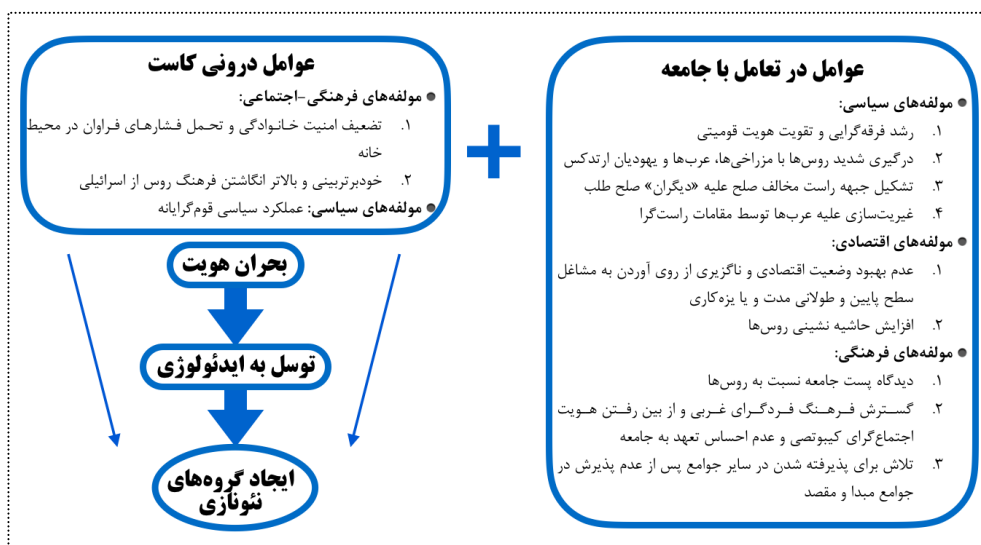
در مقاله حاضر، کاست روس‌ها در اسرائیل به‌عنوان گروه نمونه‌ای متمایز و مسئله رشد گروه‌های یهودستیز یهودی به‌عنوان پدیده موجود انتخاب شده است سپس با به‌کارگیری روش تحلیل پس‌رویدادی، دلیل پیشین که همان قدرت گرفتن روس‌ها در سیاست اسرائیل و رویکرد راست‌گرایانه

1 . Quasi-Experimental Research
2 . Correlational Relationship

آنان در قبال عرب‌ها بوده، بررسی شده‌است؛ ضمن آنکه همچون سایر پژوهش‌های اینچینی، داده‌های این نوشتار نیز به روش کتابخانه‌ای و از اسناد موجود جمع‌آوری شده‌اند.

ج- مدل مفهومی

در توضیح روند شکل‌گیری گروه‌های نئونازی در اسرائیل می‌توان مدل زیر را ارائه داد؛ این مدل در سطح تحلیل خرد و درخصوص اقشار جامعه صهیونیستی و در محیط یک کشور بررسی شده‌است. از آنجاکه می‌توان اشتراک‌هایی بسیار میان گروه‌های نئونازی و تروریسم جدید یافت، از این مدل برای توضیح روند شکل‌گیری گروه‌های نئونازی استفاده شده‌است (گوهری مقدم، ۱۳۹۰: ۱۸۶)



توضیح روند شکل‌گیری گروه‌های نئونازی یهودی در اسرائیل با محوریت روس‌ها

(منبع: برگرفته از گوهری مقدم، ۱۳۹۰)

از آنجایی‌که کاست روس در اسرائیل، نقشی بسزا در تمایل به ایدئولوژی فاشیستی و نژادپرستی ایفای می‌کند، مدل بالا با محوریت بودن این گروه قومی سازمان‌یافته‌است اما این تمایل و ایجاد گروه‌های نئونازی، خود معلول بحران هویت در میان این افراد بوده‌است. «هویت، چگونگی شناخت افراد و گروه‌ها از خود و چگونگی شناخته‌شدن آنان توسط سایرین و برپایه [مؤلفه‌هایی مانند] نژاد، قومیت، دین، زبان و فرهنگ است» (Fearson, 1999, p. 45).

از همین رو، مدل به دو بخش اصلی «عوامل درونی کاست و عوامل در تعامل با سایر افراد جامعه» تقسیم شده است؛ مجموعه این دو عامل، بحران هویت را که دلیل اولیه گروه‌های نئونازی است، تشکیل داده و خود نیز از خرده‌عامل‌هایی تشکیل می‌شوند. عوامل در تعامل با جامعه در سه محور «سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و عوامل درونی کاست نیز به دو قسمت «مؤلفه‌های سیاسی و فرهنگی - اجتماعی» تقسیم شده‌اند.

۱- عوامل در تعامل با جامعه

۱-۱- مؤلفه‌های سیاسی

به‌طور کلی باید گفت که رفتار و گرایش سیاست‌مداران به‌طور مستقیم در رویکرد مردم مؤثر است؛ این مهم، زمانی که الگوی حاکم میان مردم، قومیتی باشد، به مراتب بیشتر خواهد بود به‌طوری‌که در اسرائیل، روس‌ها بیشتر به حمایت از احزاب روس تمایل دارند؛ همچنین در یک جامعه به‌طور عمیق چندپاره، اگر حکومت، یک ایدئولوژی قومی را به رسمیت بشناسد و یک قوم (در اینجا عرب‌ها) که آن سیاست را نمی‌پذیرد، به‌عنوان اقلیت در نظر گرفته شود، شکاف‌ها و رویارویی قومیت‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود؛ گذشته از آن، یکی از مشخصه‌های بارز مهاجران روس، نفرت شدید از مزراحی‌ها و عرب‌هاست که مجموعه این عوامل، شکاف‌های قومیتی را عمیق‌تر می‌کند (Al-Haj, 2016, p. 199). راست‌گرا شدن اسرائیل، فرایندی بود که پس از دهه ۱۹۸۰ و با نوسازی و از میان رفتن کارگاه‌های کوچک سنتی آغاز شد؛ امری که بی‌کاری را در پی داشت؛ نکته دیگر را باید در سخنان جف هالپر^۱ یافت که می‌گوید: «صهیونیسم از اساس، بیگانه‌هراس^۲ است و بدان نیاز دارد» (Attwell, 2015, p. 199).

در این میان، بخشی از الگوی غیریت‌سازی^۳ صهیونیست‌ها پس از قرارداد اسلو به‌صورت طرف‌دار صلح، به‌عنوان «خودی‌های پاک‌نهاد» (ما)^۴ و مخالفان صلح، به‌عنوان «دیگرانِ پلید»^۵ تغییر شکل داد؛ بدین ترتیب، تقسیم‌بندی «ما» و «دیگران» به درون جامعه تسری یافته، جبهه جدید «دیگران»^۶ فارغ از

1 . Jeff Halper
2 . Xenophobic
3 . Otherness
4 . Virtues Us
5 . Evil Others
6 . New Others

غیریت‌سازی ضد عرب‌ها سربرآورد (Attwell, 2015, pp. 196-198).

در شرایط اسلو، جریان مخالف حزب کارگر (حزب حاکم) در تلاش برای به‌دست‌آوردن قدرت، متحد شدند و از همین‌جا بود که در سال ۱۹۹۹، بنیامین نتانیا‌هو، رهبر جریان راست‌گرا، از دوست خود، آویگدور لیبرمن،^۱ تأسیس حزبی جدید با گرایش‌های راست‌گرایانه را خواستار شد که بتواند هدایت‌گر نقش مؤثر «رأی روس‌ها»^۲ در آفاق سیاست اسرائیل باشد؛ این حزب راست‌گرا، هم‌زاییده گسترش غیریت‌سازی قومیتی و هم تشدیدکننده آن بود چراکه ازسویی هدف آن (هدایت روس‌ها)، خود متضمن نوعی غیریت‌سازی قومیتی بود و ازسوی دیگر، جبهه مخالف اسلو با غیریت‌سازی مبتنی بر مخالفت با صلح سامان‌یافته بود؛ بنابراین این دو جریان به‌عنوان دو ستون اصلی، نوک پیکان غیریت‌سازی را از «عرب‌ها» به «یهودیان دیگر» تغییر دادند.

گذشته از آن، دیدگاه‌های نژادپرستانه آویگدور لیبرمن، به عرب‌ها منحصر نمی‌شود بلکه او با دیدگاه آنتی‌الیتیستی خود، معنای «غیر» را به یهودیان نیز تسری می‌دهد؛ «ما» به معنای مهاجران روس تازه‌وارد و ساکنان شهرک‌های حاشیه‌ای و «دیگران» به مفهوم اداره پلیس، دادگاه عالی و سیاست‌مداران.

لیبرمن، اتحاد بخش‌های مختلف جبهه «ما» را که از آن با نام «یهودیان مورد ظلم در اسرائیل» یاد می‌کند، در مقابل الیت‌های جبهه «دیگران» لازم می‌داند (Filc, 2010, pp. 111-118).

بنابراین «رشد فرقه‌گرایی و تقویت هویت‌های قومیتی» و به‌دنبال آن «درگیری شدید روس‌ها با مزارخی‌ها، عرب‌ها و یهودیان ارتدکس» در کنار تشکیل جبهه راست مخالف صلح ضد «دیگران» صلح‌طلب و «غیریت‌سازی ضد عرب‌ها توسط مقام‌های راست‌گرا»، نتایجی مانند متشنج‌شدن جامعه صهیونیستی، قطب‌بندی سیاسی و قومیت‌گرایی، راست‌گرایی و غیریت‌سازی درون جامعه را به‌دنبال داشته‌است؛ مجموعه این عوامل سیاسی در کنار عوامل اقتصادی و فرهنگی، تکمیل می‌شوند.

۲-۱- مؤلفه‌های اقتصادی

روس‌ها پس از فروپاشی شوروی و برای فرار از شرایط بد و ناپایدار اقتصادی، به مهاجرت اقدام کردند به‌طوری‌که در نظرسنجی *ماجد الحاج*، بسیاری از روس‌ها دلیل اصلی مهاجرت خودشان را اقتصادی اعلام کردند (Al-Haj, 2004, p. 161) اما این افراد، پس از مهاجرت با بازار کار محدود

1 . Avigdor Liberman

2 . Russian Vote

اسرائیل مواجه شدند و این در حالی بود که عمده آنها دارای تحصیلات عالی دانشگاهی و تخصص در صنایع پیشرفته بودند. بسیاری از روس‌هایی که با پیش‌زمینه فکری ابرقدرت فروپاشیده شوروی و بازار کار گسترده آن به فضای محدودتر اسرائیل قدم گذاشته بودند، نتوانستند شغل مناسب خود را بیابند؛ بنابراین به ناچار به مشاغل سطح پایین‌تر و با ساعات کاری بالا روی آوردند؛ چنان‌که برای نمونه، بسیاری از پزشکان متخصص، از سر بیکاری به مشاغل خدماتی روی آورده بودند؛ عده‌ای نیز به جرایم سازمان‌یافته، مافیای بین‌المللی و اباحه‌گری، مشغول شدند تا جایی که در جامعه صهیونیستی، روس‌ها به این سه فعالیت مشهورند (سعید، ۲۰۱۴: ۲۲۸ و ۲۲۹).

گذشته از وضعیت اقتصادی، این افراد به‌طور عمده در دو ناحیه اسکان‌داده شده‌اند؛ برخی برای نزدیکی به محل کار، در آپارتمان‌های کوچک محلات فقیرنشین شهرک‌های اقماری اورشلیم، تل‌آویو، گوش دن و حیفا و عده‌ای در منازل ارزان حومه شهرهای مناطق شمالی و جنوبی سکنی‌گزیده‌اند (Remennick, 2016, p. 204)؛ زندگی گروه نخست در محلات فقیرنشین، خود، گسترش تمایل به بزهکاری را سبب شده است؛ همچنین از آنجاکه عمده روس‌ها مذهبی نبوده، به قوانین دینی از جمله تحریم شنبه احترام نمی‌گذارند، درگیری‌های خون‌بار با یهودیان ارتدکس در شهرهای مذهبی مانند اورشلیم، روبه‌فزونی نهاده است؛ گروه دوم نیز در مناطقی هستند که روزانه با التهاب‌های ناشی از جنگ در مناطق مرزی شمالی و جنوبی درگیرند.

بنابراین در حوزه اقتصادی عواملی نظیر «عدم بهبود وضعیت اقتصادی و ناگزیری از روی آوردن به مشاغل سطح پایین و طولانی‌مدت یا بزهکاری» و «افزایش حاشیه‌نشینی روس‌ها» به وخامت اوضاع این افراد افزوده است.

۳-۱- مؤلفه‌های فرهنگی

همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، وجه اشتراک موج‌های مختلف مهاجرتی روس، خودبتریبینی و نفرت از مزارخی‌ها و غیر روس‌هاست؛ همچنین وجه تمایز موج مهاجرتی ۱۹۹۰ روس‌ها با امواج سابق، شدت گرفتن این نفرت تا مرحله عدم اختلاط در جامعه صهیونیستی است؛ اگرچه این عدم اختلاط به دلیل بدبینی دوطرفه بوده، در این بخش، واکنش منفی جامعه صهیونیستی به خودبتریبینی روس‌ها مراد است؛ این بدبینی به‌گونه‌ای است که روس‌ها در اسرائیل به‌عنوان شهروند درجه دو انگاشته می‌شوند که این مهم، علاوه‌بر واکنش جامعه به خودبتریبینی روس‌ها، در عدم وجود

بن‌مایه‌های مذهبی یهودی و رواج بزهداری در میان روس‌ها ریشه‌دار؛ همین مسئله، دیدگاه پست جامعه‌صهیونیستی را به‌دنبال داشته‌است (ناطور، ۲۰۰۷).

علاوه‌بر موارد بالا، پس از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ و در نتیجه، انتشار فرهنگ فردگرایی آمریکایی، به‌تدریج هویت جمعی و کیبوتسی اسرائیل از میان‌رفته و هویت‌های چندگانه قومیتی (مانند اشکنازی، روس، اتیوپیایی و...) پررنگ‌تر شده‌اند؛ در نتیجه، کاهش احساس تعهد و تعلق به جامعه در میان روس‌ها ایجاد شده‌است (Attwell, 2015, pp. 202-205).

گذشته‌از آن، روس‌هایی که ارتباطشان با سرزمین مادری قطع شده‌بود و در جامعه‌صهیونیستی نیز پذیرفته‌نشده‌بودند، به‌تدریج به انزوا دچار شدند؛ تلاش این افراد، آن بود که در میان سایر جوامع پذیرفته‌شوند و از این طریق، بخش دوم هویت را که در ارتباط با سایرین تعریف می‌شود، جبران‌کنند؛ در این میان، گروه‌های ایدئولوژی‌محور (مانند گروه‌های نئونازی) که پذیرش افراد در آنها براساس ایدئولوژی (فارغ از ویژگی‌های نژادی و قومیتی) است، به‌عنوان راه‌حل جایگزین انتخاب می‌شوند؛ درحقیقت، جوانان و نوجوانان روس که وضع اسفبار والدین خود را می‌دیدند، با ناامیدی از وضع موجود و عدم پذیرش در جوامع مبدأ و مقصد، رفته‌رفته با تمایل به نژادپرستی و بزهداری می‌کوشیدند تا نظر این گروه‌ها را جلب‌کنند؛ در همین باره 'الانا گومل'،^۱ استاد دانشگاه تل‌آویو می‌گوید: «پس از فروپاشی شوروی، کشورهای استقلال‌یافته، دردهای خود را [با خود] آورده و به‌دنبال راهی برای جبران شکست‌ها بودند که به‌صورت تقویت ملی‌گرایی در آنها نمودیافت؛ این خلأ با گرایش به فاشیسم و نازیسم، پر شده‌است» (Gomel, 2009, pp. 175-178).

به‌طور خلاصه، عواملی چون «دیدگاه پست جامعه نسبت به روس‌ها، گسترش فرهنگ فردگرایی غربی و از میان‌رفتن هویت اجتماع‌گرای کیبوتسی و عدم احساس تعهد به جامعه و تلاش برای پذیرفته‌شدن در سایر جوامع پس از عدم پذیرش در جوامع مبدأ و مقصد» از جمله مؤلفه‌های فرهنگی هستند اما گرایش به گروه‌های نئونازی، به‌طور صرف، معلول عوامل بالا نبوده، از عوامل و روابط درون کاست روس‌ها هم، متأثر بود.

۲- عوامل درونی کاست

کاست روس‌ها ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که بر عدم اختلاط و انزوای آنها در جامعه

1 . Elana Gomel

صهیونیستی به‌طور مستقیم تأثیر داشته‌است؛ این ویژگی‌ها را در دو بخش فرهنگی - اجتماعی و سیاسی می‌توان دسته‌بندی کرد که بر یکدیگر به‌طور متقابل تأثیر می‌گذارند.

۱-۲- مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی

علاوه بر آنچه درباره وضعیت اقتصادی و اشتغال روس‌ها گفته شد، این افراد در محیط خانواده، فضایی پرتلاطم را تجربه می‌کنند؛ والدین، به مواد مخدر و الکل، معتاد بوده و به‌طور عمده از مهاجرت به اسرائیل به‌صورت جدی دیده‌اند؛ این افراد پس از مهاجرت به اسرائیل از یافتن شغل و شرایط مناسب زندگی، ناتوان ماندند و برای تأمین زندگی ناچارند به شغل‌های طولانی‌مدت بپردازند که همین مسئله، عدم توجه کافی به نوجوانان روس از سوی والدینشان را به دنبال داشته‌است.

این نبود آرامش در خانواده، مشکلاتی را در خارج از این محیط در پی داشته‌است؛ مشکلات از همان ابتدای تحصیل تا دوران جوانی، همواره رخ می‌نمایند؛ از آنجاکه امروزه تقابل دانش‌آموزان روس و غیرروس در مدارس، امری متداول است، در صورت ایجاد مشکل برای نوجوانان روس، والدین آنها به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط به زبان عبری، نمی‌توانند حق فرزندانشان را استیفای کنند؛ این مشکل زبانی، تنها مختص بزرگسالان نیست بلکه اگرچه مشهور است که «عبری، تنها زبانی است که فرزندان به والدینشان یاد می‌دهند» (Rosenthal, 2005, p. 186)، هنوز هم این نوجوانان در برقراری ارتباط به زبان عبری با چالش روبه‌رو هستند؛ آمارها از آن، حاکی‌اند که این چالش‌ها در میان افرادی که مدتی طولانی‌تر در اسرائیل بوده‌اند، بیشتر بوده که نشان‌دهنده افزایش مشکل زبانی در میان نوجوانان روس تبار است؛ این مهم نیز از استفاده انحصاری از زبان روسی در محله‌های روس در اسرائیل نشأت می‌گیرد (Titzmann, Silberein, Mesch, & Schmitt-Rodermund, 2011, p. 786).

مجموعه عوامل بالا سبب می‌شود که تنها ۵۰ تا ۶۰ درصد دانش‌آموزان روس بتوانند از پس دروس دبیرستان برآیند و راه خود را به سمت مقاطع بالاتر هموار سازند؛ امری که سرخوردگی در تحصیل را برای آنان به‌ارمغان آورده‌است؛ عدم موفقیت در تحصیلات نیز به‌نوبه خود سبب شده که نتوانند در دوران خدمت در ارتش به مراکز مهم راه‌یابند؛ این شکست، آینده شغلی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پرواضح است که ارتش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای ملت‌سازی و تشکیل هویت در اسرائیل، نیز نتوانسته این جوانان را در خود ادغام کند؛ بنابراین بذر نارضایتی و شکست از ابتدا در

نوجوانان روس کاشته می‌شود و نهال راست‌گرایی افراطی در آنها قوت می‌یابد (Remennick, 2016, pp. 208-210).

گذشته از مسائلی که درخصوص محیط خانوادگی روس‌ها رفت، این افراد به اختلاط در جامعه صهیونیستی تمایلی ندارند چراکه فرهنگ خود را بالاتر از فرهنگ عبری می‌دانند از همین رو برخلاف گروه‌های مهاجر دیگر، مانند اتیوپیایی‌ها، هیچ‌گاه به صورت جدی به سراغ یادگیری زبان عبری نرفته‌اند؛ بنابراین در محله‌های روس در اسرائیل، زبان و فرهنگ روسی حکم فرماست؛ ضمن آنکه عمده رسانه‌های اسرائیلی، نسخه‌ای به زبان روسی نیز دارند.

به این ترتیب همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بخشی از روس‌ها در برقراری ارتباط به زبان عبری با مشکل مواجه‌اند و این مسئله سبب شده است که برخی محققان، وضعیت روس‌ها را در اسرائیل به مثابه گتو بدانند که از محیط اطراف دوری کرده، در حالتی از انزوا قرار دارند (Ghanem, 2013, pp. 134-135)؛ از همین رو است که سیاست‌مداران اسرائیلی برای تأثیر بیشتر بر جمعیت قابل توجه روس‌ها و بهره‌مندی از رأی آنها، برنامه‌های انتخاباتی خود را به زبان روسی نیز منتشر می‌کنند. برای جمع‌بندی، در این بخش باید گفت که عوامل درونی چون «تضعیف امنیت خانوادگی و تحمل فشارهای فراوان در محیط خانه و خودبرتربینی و بالاترانگاشتن فرهنگ روس از اسرائیلی» از جمله عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر در عوامل درونی کاست است.

۲-۲- مؤلفه سیاسی: عملکرد سیاسی قوم‌گرایانه

روس‌ها در عرصه سیاسی، الگوی عملی خاصی دارند که به مثابه گتو در حالتی از انزوا عمل می‌کنند؛ درحقیقت با بررسی عملکرد روس‌ها در انتخابات‌های مختلف می‌توان الگوهای عملی مشخصی را استخراج کرد:

- تمایل به عملکرد حزبی

این مهم از آنجا نشأت می‌گیرد که روس‌ها فرهنگ خود را بالاتر دانسته، در تلاش‌اند تا با قدرت یافتن در نظام حزبی اسرائیل، بتوانند در آفاق سیاست این رژیم صعود کنند (سعید، ۲۰۱۴: ۲۴۲ و ۲۴۳) لذا از همان ابتدای ورود، حزب اسرائیل بعالیا را تشکیل دادند.

- تمایل به قومیت‌گرایی و اصالت روسی احزاب و شخصیت‌ها

تمایل به حزبی که دارای رهبری قدرتمند و کاریزما باشد (Ghanem, 2013, p. 132)؛ روس‌ها

فردی را به‌عنوان رهبر می‌پذیرند که قدرتمند باشد؛ این قدرت حتی می‌تواند جنبه جسمانی داشته‌باشد؛ چنان‌که *اویگدور لیبرمن* برای نشان‌دادن قدرت بدنی خود، رقیبان مدرسه‌ای پسرش را ضرب‌وشتم کرد (Filc, 2010, p. 117).

بنابراین اهمیت احزاب روس، در تحلیل گرایش و الگوی رفتاری روس‌ها به‌عنوان اقلیت بسیار پرجمعیت و مؤثر در اسرائیل مشخص می‌شود؛ حال با تبیین این اهمیت می‌توان با تقریبی خوب، گرایش تدریجی به حزب اسرائیل بیتنو به زعامت لیبرمن را به‌جای اسرائیل بعالیا به زعامت *شارانسکی* از میانه دهه ۱۹۹۰ تاکنون، تمایل به راست‌گرایی افراطی به‌جای میانه‌روی دانست؛ در مجموع و از تحلیل الگوی عملی روس‌ها در انتخابات اخیر می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

عملکرد روس‌ها از حزب اسرائیل بیتنو، بسیار متأثر است.

کارزمای *اویگدور لیبرمن* و گرایش آنتی‌الیتسم وی به‌طور کامل بر تصمیم‌ها و خط‌مشی حزب مؤثر است (Filc, 2010, p. 121).

آنتی‌الیتسم *اویگدور لیبرمن* و به‌تبع آن، اسرائیل بیتنو (با ادبیاتی که پیش‌تر آمد) به‌نوعی متوجه‌کردن پیکان غیریت‌سازی از اعراب به جامعه داخلی است.^۱

د - پیشینه

در همین مجال و پیش از پرداختن به عامل اصلی مراد این مقال، یعنی تأثیر متقابل نخبگان راست‌گرای اسرائیلی و رشد گروه‌های نئونازی، لازم است به فعالیت‌های گروه «پاترول ۳۶» به‌عنوان یکی از مؤثرترین گروه‌های نئونازی یهودی، بپردازیم.

گروه روس تبار پاترول ۳۶، از شش نوجوان روس تشکیل شده بود که همگی در کودکی و به‌واسطه «قانون بازگشت» به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده بودند؛ شناسایی و دستگیری این نوجوانان ۱۶ تا ۲۱ ساله در ۹ سپتامبر ۲۰۰۷، سبب شد جلساتی فوق‌العاده (بیش‌ازحد عادت) در هیئت دولت و کنست برای بررسی ابعاد موضوع تشکیل شود.

اعضای گروه پاترول ۳۶ که ماه‌ها توجه رسانه‌های صهیونیست را به خود جلب کرده بودند، جرایمی از جمله «درگیری مسلحانه با سایر گروه‌ها، سرقت و تخریب کنیسه‌ها و قبرستان‌ها و حمله به معتادان، کارگران خارجی، هم‌جنس‌بازان و یهودیان مذهبی» را در کارنامه خود داشتند. مهم‌ترین

۱. مورد بحث در بخش مؤلفه‌های سیاسی ذیل عوامل در تعامل با جامعه

ویژگی پاترول ۳۶ در آن بود که علاوه بر قربانیان یهودی، اعضای این گروه (به جز یک نفر) نیز یهودی بودند (Sela-Sheyovitz, 2012, p. 215). میراثی که پاترول ۳۶ برای سایر گروه‌های فاشیستی صهیونیست باقی گذاشت، انحراف پیکان غیریت‌سازی به درون جامعه یهودی و شکستن قبح ایدئولوژی نازیسم در میان گروه‌های یهودی بود؛ امری که با انحلال پاترول ۳۶ در سال ۲۰۰۷ پایان‌نیافت و در سال‌های بعد، گسترش گروه‌های یهودی نئونازی را به دنبال داشت.

انگیزه‌های حمله به هریک از قربانیان به‌طور خلاصه چنین است:

- به معتادان مواد مخدر و کارگران خارجی (به‌طور عمده چینی‌ها) از آن جهت حمله می‌کردند که توانایی مراجعه به مراجع قانونی را نداشتند چراکه بسیاری از کارگران خارجی به‌صورت غیرقانونی در فلسطین اشغالی فعالیت می‌کرده‌اند و در صورت مراجعه به پلیس از تمامی حقوق (از جمله حق زوجیت، فرزند و...) محروم و به کمپ‌ها و زندان‌های اسرائیل با شرایط اسفبار فرستاده می‌شوند (Human Rights Watch, 2014, pp. 60-74)؛ ضمن آنکه همان‌طور که اشاره شد، محل زندگی این نوجوانان روس به دلیل حملات موشکی از لحاظ نیروی کار، تخلیه و کارگران خارجی، جایگزین آنان شده‌اند؛ بنابراین نوجوانان روس، خارجی‌ها را مسبب فقر و بیکاری والدینشان می‌دانند.

- در خصوص هم‌جنس‌بازان و یهودیان مذهبی هم باید علت را در ایدئولوژی فاشیستی این گروه یافت (Remennick, 2016, pp. 208-210). با توجه به اینکه اعتقاد به برتری نژادی سفیدپوستان، جزء جدایی‌ناپذیر ایدئولوژی فاشیستی است، می‌توان حمله به کارگران خارجی و یهودیان مذهبی را در قالب این مطلب نیز توضیح داد؛ از آنجاکه یهودیان شرقی، گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند، پرواضح است که به این افراد رنگین‌پوست حمله‌کنند؛ ضمن اینکه سرخوردگی یهودیان روس تبار از نهادهای مذهبی و تحقیر دائمی آنان توسط مسئولان و رسانه‌های وابسته به نهادهای مذهبی، خود مزید بر علت است.

نژادپرستی روس‌ها به همین جا ختم نمی‌شود بلکه آنها حساب خود را از سایر مهاجران تیره‌تر روس مانند ازبک‌ها و قزاق‌ها جدامی‌سازند و آنها را نیز سیاه‌پوست می‌دانند (Ghanem, 2013, p. 140).

شایان اشاره است که رهبران گروه پاترول ۳۶ از طریق اینترنت، مفاهیم فاشیستی را آموزش دیده، با گروه‌های نژادپرست مسکو از همین طریق ارتباط داشتند؛ این افراد با انتشار فیلم‌هایی از اقدام‌های

نژادپرستانه خود در تارنماهای نژادپرست مانند (Format18) تلاش می‌کردند تا مرهمی بر جنون خود بزرگ‌پنداری بگذارند (Sela-Sheyovitz, 2012, pp. 218-219).

اما به دو دلیل نباید گروه‌هایی نظیر پاترول ۳۶ را به‌طور کامل فاشیست یا نئونازی خواند: نخست آنکه اعضای عادی، عضو شدن در این گروه‌ها را راهی برای یافتن افرادی با سرنوشت مشترک می‌دانند.

دیگر آنکه بنابر چارت سازمانی این گروه، علاوه بر رهبر عملیاتی، یک رهبر ایدئولوژیک نیز وجود دارد و وی آموزش‌های فاشیستی را برعهده دارد؛ همان‌طور که در بالا آمد، آنها هم فاشیست‌هایی اصیل نیستند بلکه برای مرهم‌نهادن بر مشکلات روحی خود، به این مسائل روی آورده‌اند (Sela-Sheyovitz, 2012, p. 219).

دو نکته بالا، کار را برای مسئولان صهیونیست دشوارتر می‌سازد چراکه این افراد به‌هیچ‌وجه عده‌ای آموزش دیده و فاشیست‌های حرفه‌ای نبوده‌اند بلکه روس‌هایی بودند که از نابرابری‌های اجتماعی به‌تنگ آمده و به چنین اقدام‌هایی دست زده بودند؛ بنابراین به‌رغم انکار مسئولان صهیونیست، چنین گرایش‌هایی همچنان وجود دارد. مادامی که عوامل به‌وجودآورنده این نیروهای اجتماعی پایدارند، نه تنها پاترول ۳۶ از میان نرفته، الهام‌بخش سایر گروه‌های روس است؛ چنان‌که با وجود گذشت یک دهه از دستگیری اعضای این گروه، نام آن همچنان روی دیوارنوشته‌های فاشیستی اماکن یهودی به چشم می‌خورد (۱۶۱۵، ۲۰۱۷؛ ۲۱۶۶، ۷، ۲۰۱۷).

ه- ارتباط رشد راست‌گرایی افراطی در میان روس‌ها و گسترش گروه‌های نئونازی

به‌طور کلی، غیریت‌سازی ضد فلسطینیان و عرب‌ها بیشتر از گسترش حس ملی‌گرایی در اسرائیل، تشدید خشونت و شکست قرارداد اسلو نشأت می‌گیرد؛ در این میان، رشد حزب راست‌گرای اسرائیل بیتنو بر کاست روس‌ها بسیار تأثیر دارد چراکه گذشته از تمایل این افراد به حمایت از احزاب روس، دلایلی که در بخش‌های گذشته آمد، نارضایتی و سرخوردگی این افراد و آمادگی بالقوه آنها را برای پذیرش نظریات راست‌گرایانه و بیگانه‌هراس^۱ سبب شده است.

آویگدور لیبرمن در مقام رهبر حزب اسرائیل بیتنو، شدیدترین مواضع را نسبت به عرب‌ها در پیش گرفته است که می‌توان آنها را در سه سطح تقسیم‌بندی کرد:

1 . Xenophobia

الف- عرب‌های درون مرزهای ۱۹۶۷؛

ب- فلسطینیان کرانه باختری رود اردن و غزه؛

ج- سایر عرب‌ها.

وی در سال ۲۰۰۶ که به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و وزیر امور استراتژیک (راهبردی) فعالیت می‌کرد، اقلیت عرب ساکن در مرزهای اشغالی را مهم‌ترین مشکل اسرائیل و خطرناک‌تر از همسایگان عرب و فلسطینیان کرانه غربی رود اردن خواند؛ این در حالی است که موضع رسمی صهیونیستی (دست‌کم در گفتار)، تمییز میان عرب‌های ساکن مرزهای ۱۹۶۷، با عنوان «عرب‌های اسرائیلی» و سایر فلسطینیان است؛ این دیدگاه افراطی لیبرمن به همین جا ختم نمی‌شد بلکه مهم‌ترین موضوع انتخاباتی وی در سال ۲۰۰۹ را تشکیل می‌داد.

وی طرف‌دار سلب تابعیت از فلسطینیان درون مرزهای اشغالی ۱۹۴۸ است که مخالف دولت یهودی هستند؛ شعار «تابعیت بدون وفاداری وجود ندارد»، شعار انتخاباتی آویگدور لیبرمن و حزبش از سال ۲۰۰۹ تاکنون است. در نگاه لیبرمن و به تبع آن اسرائیل بیتنو، مخالفت با دیدگاه «دولت یهودی اسرائیل»، خیانت محسوب شده، مستحق مجازات‌هایی مانند سلب تابعیت یا تبعید است (Yisrael Beytenu, 2018) و این در حالی است که بسیاری از فلسطینی‌ها با اسرائیل به‌عنوان دولتی یهودی مخالف بوده، خواهان حق بازگشت برای فلسطینیان آواره هستند؛ این دیدگاه محدود نسبت به تابعیت، دموکراسی را در بند مسائلی چون: فرهنگ، قومیت و جامعه بسته خودی‌ها قرار داده و از خصیصه‌های احزاب راست‌گرای افراطی پوپولیست است (Filc, 2010, p. 105).

اما دیدگاه راست‌گرای افراطی لیبرمن به عرب‌های درون مرزهای ۱۹۶۷ ختم نمی‌شود بلکه سایر فلسطینیان و نیز عرب‌های سایر کشورها را دربرمی‌گیرد؛ برخی از این موارد به‌طور خلاصه در زیر آمده‌اند:

- حل مشکل نوار غزه یک‌بار برای همیشه و از طریق بمباران اتمی؛
 - دعوت به بمباران کاخ ریاست‌جمهوری دمشق؛
 - دعوت به تخریب سد اسوان برای غرق کردن ملت مصر؛
 - سلب حقوق فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی ۱۹۴۸ از زمین‌هایشان؛
 - ممنوع کردن نمازخواندن در مسجدالاقصی.
- همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، ویژگی مشترک مهاجران روس، نفرت از مزارخی‌ها و «غیرخودی‌ها»

است اما نوک پیکان بیگانه‌هراسی اسرائیل بیتنو در ابتدا و بیش از همه، متوجه اسلام است؛ این حزب، نزاع عرب‌ها و اسرائیل را بخشی از تلاش‌های جهانی برای مقابله با افرادی می‌داند که با هر امر غیراسلامی مخالفاند و سرنوشت اسرائیل را در مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی به رهبری ایران و با حضور نیروهای حزب‌الله در شمال، حماس از جنوب و حکومت خودگردان از شرق ترسیم می‌کند؛ به‌رحال ایدئولوژی حزب اسرائیل بیتنو، سوابق پارلمانی و حضور فردی نظیر آویگدور لیبرمن در رأس این حزب، آن را در زمره احزاب راست‌گرای افراطی پوپولیست و نقطه عطفی در راست‌گرایی افراطی اسرائیل قرار داده‌است (Filc, 2010, p. 121).

از آنجاکه آویگدور لیبرمن، محور اصلی حزب راست‌گرای اسرائیل بیتنو محسوب می‌شود و با توجه به اقبال روس‌ها به این حزب، بررسی رشد لیبرمن در سیاست اسرائیل می‌تواند دورنمایی خوب از وضعیت راست‌گرایی افراطی در میان روس‌ها به‌دست‌دهد؛ تحلیل الگوی رفتاری روس‌ها از این نکته حکایت دارد که قدرتمندتر شدن لیبرمن، سبب مطرح‌شدن هرچه بیشتر وی به‌عنوان رهبر کاریزماتیک و فردی مؤثر می‌شود که روس‌ها به‌دنبال پیروی از آن‌اند.

او در میانه سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور استراتژیک و از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵، وزیر خارجه بوده‌است و از آن زمان تاکنون، سمت مهم وزارت جنگ را برعهده‌دارد؛ اتحاد حزب لیکود و اسرائیل بیتنو در سال ۲۰۱۳ نیز تأثیری شگرف در صعود حزب لیبرمن داشت. در ادامه با اتخاذ رویکرد پس‌واقع‌ای، فراوانی اقدام‌های یهودستیزانه گروه‌های نئونازی یهودی بررسی شده و انطباق قله‌های نمودار روند این اقدام‌ها با جنگ‌های اخیر اسرائیل نشان‌داده شده‌است. چنین به‌نظر می‌رسد که با گسترش غیریت‌سازی دائم ضد عرب‌ها (به‌ویژه فلسطینیان)، این خشونت در سال‌های پس از جنگ، درون جامعه صهیونیستی جریان‌یافته‌است و با پایداری غیریت‌سازی و تشنج در فضای جامعه، «توجه» از دشمن خارجی به مخالفان و «دیگران» داخلی معطوف می‌شود؛ همین امر، رشد گروه‌های نئونازی را به‌عنوان راهی برای تسویه‌حساب‌های قومیتی و اعتراض به نابرابری‌های داخلی در پی دارد.

برای اثبات این فرضیه، آمار مجمع همکاری‌ها برای مبارزه با یهودستیزی اسرائیل^۱ بررسی شده و عناوین این حملات به تفکیک سال فهرست شده‌است:

1 . The Coordination Forum for Countering Antisemitism (CFCA)

اقدام‌های نژادپرستانه در فلسطین اشغالی (به جز نوار غزه) ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷

شماره	سال	عناوین حملات
۱	۲۰۱۷-۲۰۱۶	مساوی کشیدن ستاره داوود و صلیب شکسته در دانشگاه عبری اورشلیم (۲۰۱۷)
۲	۲۰۱۷-۲۰۱۶	مقایسه ستاره داوود و صلیب شکسته اسپری شده روی [دیوارهای] دانشگاه عبری اورشلیم (۲۰۱۷)
۳	۲۰۱۷-۲۰۱۶	کشیدن صلیب شکسته روی کنیسه‌ای در اورشلیم (۲۰۱۷)
۴	۲۰۱۷-۲۰۱۶	نمایش عبارت «آیا می‌خواهید دوش‌های حمام [کوره‌های گاز] را به شما نشان‌دهم؟» با تصویر هیتلر در دبیرستانی در پتخ تیکوا
۵	۲۰۱۷-۲۰۱۶	صلیب شکسته اسپری شده روی دیوارهای کنیسه‌ای در اورشلیم
۶	۲۰۱۷-۲۰۱۶	تصاویر یهودستیزی اسپری شده بر کنیسه‌ای در تل‌آویو
۷	۲۰۱۷-۲۰۱۶	تصاویر یهودستیزانه و صلیب‌های شکسته در شهر رعانانا ^۱
۸	۲۰۱۷-۲۰۱۶	صلیب‌های شکسته و نشان داعش روی قبرستان‌ها در شهرک دالیة الکرمل ^۲
۹	۲۰۱۷-۲۰۱۶	صلیب شکسته و «مرگ بر یهودیان» اسپری شده روی ایست بازرسی در سامریه
۱۰	۲۰۱۵	صلیب‌های شکسته و نوشته‌های نازی در بئر سبع ^۳
۱۱	۲۰۱۵	تخریب کنیسه‌ای با صلیب‌های شکسته خونی در راه مواصلاتی رعانانا به کفر سبع ^۴ به دست نوجوانان
۱۲	۲۰۱۵	صلیب‌های شکسته و «مرگ بر یهودیان» در دانشگاه حیفا
۱۳	۲۰۱۵	تصاویر یهودستیزانه در مدح هیتلر در ایستگاه اتوبوس در روز یادبود هولوکاست در شهرک الرام ^۵
۱۴	۲۰۱۵	صلیب شکسته و پرده سوخته در مدرسه دینی در اورشلیم
۱۵	۲۰۱۴	تصاویر یهودستیزانه در صفد ^۶
۱۶	۲۰۱۴	صلیب شکسته روی فنس‌های کنیسه‌ای در شهر نتانیا
۱۷	۲۰۱۴	تصاویر عربی نازی در تخنیون حیفا
۱۸	۲۰۱۴	صلیب شکسته و کنده‌کاری‌های یهودستیزانه و کفرآمیز در شهرک عوفر ^۷
۱۹	۲۰۱۴	صلیب شکسته و عبارت «حق با هیتلر بود» در روستای طیبة ^۸

- 1 . Ra'anana
- 2 . Daliyat al-Carmel
- 3 . Be'er Sheva
- 4 . Kefer Seva
- 5 . Al-Ram
- 6 . Safed
- 7 . Ofer
- 8 . Taibe

ادامه جدول. اقدام‌های نژادپرستانه در فلسطین اشغالی (به جز نوار غزه) ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷

شماره	سال	عناوین حملات
۲۰	۲۰۱۴	حمله با صلیب شکسته در قسمت قدیمی اورشلیم
۲۱	۲۰۱۴	صلیب شکسته در بیت‌المقدس
۲۲	۲۰۱۴	پست‌های فیس‌بوکی یهودستیزانه توسط دانشجویان هداسا در اورشلیم
۲۳	۲۰۱۴	فریادها و علائم یهودستیزانه در ایستگاه اتوبوس در شهر رهط ^۱
۲۴	۲۰۱۴	صلیب‌های شکسته روی کنیسه یهودیان محافظه‌کار در اورشلیم
۲۵	۲۰۱۴	تخریب ظاهری راه منتهی به دیوار ندبه با صلیب‌های شکسته
۲۶	۲۰۱۴	تصاویر یهودستیزانه در جنگل‌های کیبوتص بئری ^۲
۲۷	۲۰۱۴	صلیب‌های شکسته روی هشت خودرو در لهاویم ^۳
۲۸	۲۰۱۳	تصاویر یهودستیزانه در کنیسه‌ای در شهر بت یم ^۴ (۱)
۲۹	۲۰۱۳	تصاویر یهودستیزانه در کنیسه‌ای در شهر بت یم (۲)
۳۰	۲۰۱۳	تصاویر و صلیب‌های شکسته در کنیسه‌ای در شهر بت یم
۳۱	۲۰۱۳	تصاویر یهودستیزانه در بئر شوع
۳۲	۲۰۱۳	اسپری عبارت «حق با هیتلر بود» در شهر العاده
۳۳	۲۰۱۳	صلیب‌های شکسته و پرتاب پتو سوخته به کنیسه‌هایی در شهرک پیسگات زئو
۳۴	۲۰۱۳	صلیب‌های شکسته اسپری شده بر کنیسه‌ای در شهر کریت ملاخی ^۵
۳۵	۲۰۱۳	صلیب‌های شکسته و «مرگ بر یهودیان» روی قبرهای سربازان ارتش در شهر کریت گت ^۶
۳۶	۲۰۱۳	صلیب شکسته در پارک تل در بئر شوع
۳۷	۲۰۱۳	صلیب‌های شکسته روی خانه‌های یافا
۳۸	۲۰۱۳	اسپری صلیب‌های شکسته روی کنیسه بت یم
۳۹	۲۰۱۲	صلیب‌های شکسته و عباراتی در حمایت از فلسطینیان در کنیسه‌ای قدیمی در شهر اریحا ^۷
۴۰	۲۰۱۲	صلیب‌های شکسته اسپری شده روی قبرهای سربازان ارتش در اورشلیم
۴۱	۲۰۱۱	صلیب‌های شکسته خارج از کنفرانس (نشست) بنیاد هولوکاست در تل‌آویو-یافو

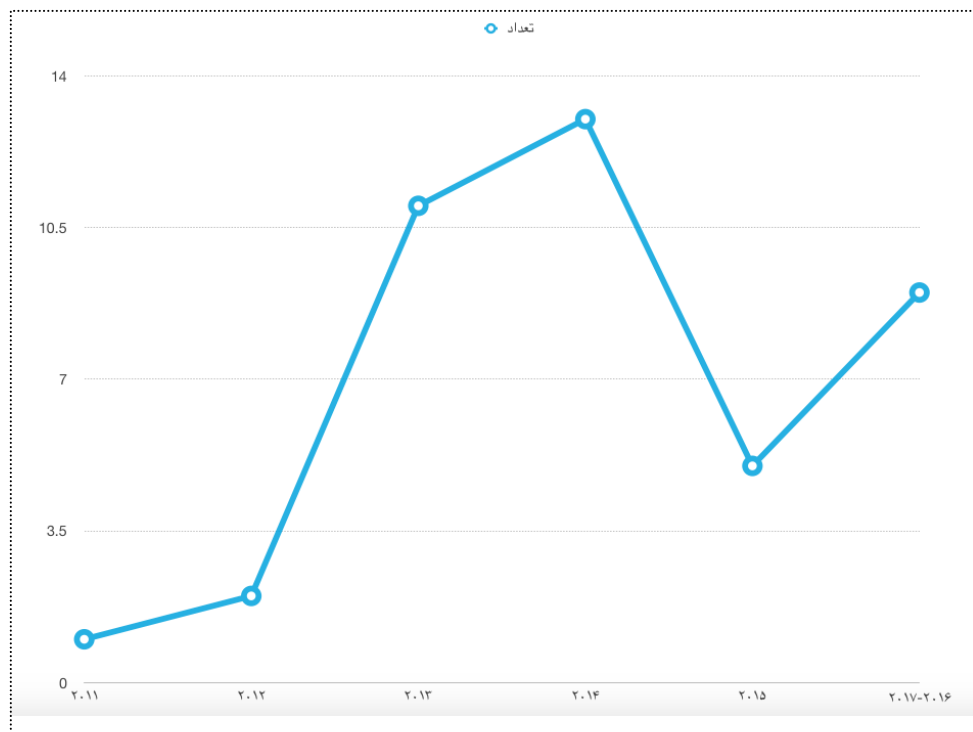
(منبع: مجمع همکاری‌ها برای مبارزه با یهودستیزی اسرائیل)

- 1 . Rahat
- 2 . Be'eri
- 3 . Lehavim
- 4 . Bat Yam
- 5 . El'ad
- 6 . Kiryat Malakhi
- 7 . Kiryat Gat
- 8 . Jericho

تعداد اقدام‌های نژادپرستانه در فلسطین اشغالی (به جز نوار غزه)

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶-۲۰۱۷
تعداد	۱	۲	۱۱	۱۳	۵	۹

(منبع: مجمع همکاری‌ها برای مبارزه با یهودستیزی اسرائیل)



تعداد حملات نژادپرستانه در فلسطین اشغالی (به جز نوار غزه)

(منبع: مجمع همکاری‌ها برای مبارزه با یهودستیزی اسرائیل)

در جمع‌آوری داده‌های نمودار، چند نکته مدنظر بوده‌است:

تمامی حملات در فلسطین اشغالی به جز باریکه غزه رخ داده‌است. اگرچه هدف نگارنده، بررسی حملات نژادپرستانه یهودی ضد یهودیان اسرائیل بوده، عاملان کرانه غربی رود اردن نیز همچون سایر سرزمین‌های رژیم صهیونیستی در نظر گرفته شده‌است چراکه از اساس، عمده این حملات در شهرک‌های غیرقانونی صهیونیستی واقع در کرانه غربی اتفاق افتاده‌است.

ملاک جمع‌آوری شواهد، وقوع حوادثی مانند تخریب و آتش‌زدن کنیسه‌ها، کشیدن صلیب‌های شکسته و جملاتی در مدح هیتلر بوده‌است؛ هرچند ارتکاب این جرایم، توسط فلسطینیان محتمل است، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مدعی شد که یهودیان اسرائیلی در این‌گونه اقدام‌ها دست‌نداشته‌اند چراکه تنها به‌عنوان نمونه، پس از گزارش تعدادی از جرایم اینچنینی در ۱۶ مارس ۲۰۱۷ که منتسب به گروه مؤخر هابلدیم^۱ بود، پلیس احتمال ارتکاب این جرم توسط فلسطینیان را به‌کلی مردود دانسته، سبک‌نگارش شعارها را مختص یهودیان اسرائیلی دانست (۲۰۱۷، ۲۶۶)؛ ضمن اینکه اسرائیلی‌های فاشیست (و نه خود فلسطینی‌ها)، بخشی از شعارها و دیوارنوشته‌ها را به نفع فلسطینیان نوشته‌بودند که آن هم تحت تأثیر حمایت‌های ظاهری فاشیسم جهانی از فلسطین با هدف یهودستیزی (و نه آرمان‌قدس) بوده‌است (Woodley, 2010, pp. 191-209)؛ در هر صورت با تقریب می‌توان در نظر گرفت که منطق حاکم بر این اقدام‌ها کم‌وبیش، همان منطق عملی گروه‌های نژادپرست و تندرو یهودی است.

بیشتر این حملات در مناطق روس‌نشین (شهرهای شمالی و جنوبی، مناطق مرزی و شهرک‌های اقماری فقیرنشین) به‌وقوع پیوسته که احتمال دست‌داشتن گروه‌های روس تندرو، مانند پاترول ۳۶ و اعقاب آنها را تشدید می‌کند؛ به‌خصوص در شماری از این حملات، نام پاترول ۳۶ و عباراتی در مدح هیتلر به زبان روسی مشاهده شده‌است.

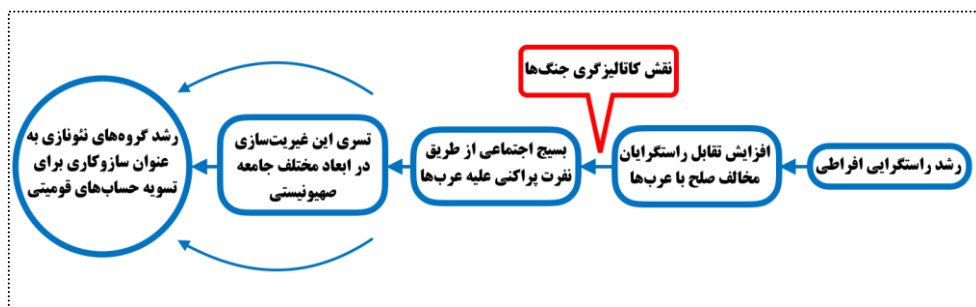
اگرچه با دستگیری اعضای پاترول ۳۶، در عمل، فعالیت‌های آن به‌پایان رسید، هیچ‌گاه گروه‌های شبیه پاترول ۳۶ تعطیل نشدند و گروه‌های شهرک‌نشین افراطی مانند مؤخر هابلدیم و نوعر هاگوعوت^۲ به‌خوبی گواه این مدعا هستند؛ این گروه‌ها نیز همچون پاترول ۳۶ در اعتراض به وضع موجود سربرآورده‌اند؛ اما اهمیت پاترول ۳۶، در پیش‌رو بودن آن در اقدام عملی و ارتکاب جرایم، به‌منظور نوعی انتقام است؛ امری که سبب تغییر نظام ارزشی و ساختارهای رژیم صهیونیستی شده، ضرباتی فزاینده را پس از خود بر جامعه صهیونیستی وارد آورده و می‌آورد.

در ادامه به بررسی نمودار پرداخته شده‌است؛ نمودار درپی نشان‌دادن آن است که تا زمان تداوم نفرت‌پراکنی ضد عرب‌ها توسط مسئولان راست‌گرای اسرائیل، این مسئله به‌مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند؛ ازسویی بسیج اجتماعی ایجاد کرده، ازسوی دیگر، فضای درونی جامعه را متشنج و باب تسویه‌حساب‌های قومیتی را بازمی‌کند؛ در این میان به‌هنگام جنگ‌ها، بیشترین میزان غیریت‌سازی ضد

1 . Me'ahetz HaBaladim

2 . No'ar HaGva'ot

فلسطینیان با هدف ایجاد بسیج ملی ترویج می‌شود ولی عواقبی جبران‌ناپذیر را در سال‌های پس از جنگ برای جامعه صهیونیستی برجای خواهد گذاشت؛ روند نمای^۱ زیر، روابط بالا را نشان می‌دهد:



توضیح روند رشد راست‌گرایی افراطی و تشدید غیرت‌سازی ضد فلسطینیان و ارتباط آن با ایجاد گروه‌های نئونازی

منبع: نگارندگان

مفهوم شیب در نمودار ۱، به معنای چندبرابری شدن نژادپرستی است؛ این شیب صعودی در سال ۲۰۱۳ و با اوج گرفتن نفرت‌پراکنی ضد فلسطینیان که اندک‌اندک به شعله‌ور شدن آتش جنگ ۲۲ روزه در سال ۲۰۱۴ انجامید، به «+۹» می‌رسد؛ یعنی در سال ۲۰۱۳ و با افزایش نفرت ضد عرب‌ها، میزان جرایم نژادپرستی درون جامعه صهیونیستی نه (۹) برابر شده، پس از شروع جنگ (۲۰۱۴) باز هم به نسبت سال پیش (۲۰۱۳) تا سه (۳) برابر افزایش می‌یابد؛ مقام‌های صهیونیست و به‌ویژه لیبیرمن، این فضای آکنده از نژادپرستی ضد فلسطینیان را پیش و پس از جنگ تشدید می‌کردند.

پس از پایان جنگ و کاهش نسبی فضای ملت‌هت، شیب همچنان صعودی و تا میزان «+۴» افزایش می‌یابد. اوج فعالیت گروه پاترول ۳۶ که در نهایت به دستگیری آنان منجر شد، سال ۲۰۰۶ بود که تهاجم به لبنان نیز در همین سال صورت گرفت؛ این تنش‌های ناشی از غیرت‌سازی، انتقاد به وضع موجود درون جامعه اسرائیل را هم دربرگرفت و حس انتقام را در شرایط پس از جنگ همچنان در میان روس‌ها باقی گذاشت چراکه نه تنها مشکلات آنها پس از جنگ برطرف نشد، اقدام‌های تبعیض نژادی مانند نبش قبر سربازان روس به بهانه تشکیک در یهودی‌بودن آنان، بر زخم‌هایشان افزود (سعید، ۲۰۱۴: ۲۱۸ و ۲۱۹).

در حال، این تشدید عرب‌ستیزی توسط مسئولان راست‌گرای اسرائیل، به صورت موقت باعث افزایش اختلاط روس‌ها در جامعه صهیونیستی و افزایش حضور روس‌ها در صفوف ارتش می‌شود؛ چنان‌که در خصوص انتفاضه دوم، همین مسئله رخداد (ناطور، ۲۰۰۷)؛ ولی در طولانی‌مدت، این تنش و غیریت‌سازی درون جامعه صهیونیستی گسترش خواهد یافت؛ به عبارت دیگر، فضای غیریت‌سازی ضد فلسطینیان و نفرت‌پرانی، همچون شمشیر دولبه عمل می‌کند؛ از سویی در کوتاه‌مدت، ادغام گروه‌های قومیتی را در یک کل واحد اسرائیلی، ضد فلسطینیان موجب می‌شود و از سوی دیگر در بلندمدت، تأثیر خود را در تسویه حساب‌های قومیتی درون جامعه صهیونیستی به همراه خواهد داشت و غیریت‌سازی ضد عرب‌ها جای خود را به غیریت‌سازی ضد یهودیان می‌دهد؛ این نکته نیز از ایستانبودن تعریف «خودی‌ها» و «دیگران» نشأ می‌گیرد؛ هر چه افراط‌گرایی، بیشتر می‌شود، «خودی‌ها» محدودتر و «دیگران» گسترده‌تر می‌شوند؛ بنابراین غیریت‌سازی که در زمان جنگ، عرب‌ها را به عنوان «دیگران» مطرح می‌کرد، پس از آن نیز سبب گسترش «دیگران» به مفهوم هرکسی که با «ما» نیست می‌شود؛ در این راستا سایر یهودیان (به ویژه الیت‌ها و مزارخی‌ها) که در نگاه روس‌ها مسبب تیره‌روزی آنان هستند، در زمره «دیگران» قرار می‌گیرند.

پیش‌بینی می‌شود که در آینده، میزان اقدام‌های یهودستیزانه و گروه‌های نئونازی یهودی افزایش یابد چراکه آویگدور لیبرمن با کسب قدرت بیشتر در عرصه سیاست اسرائیل، پیروان بیشتری جذب می‌کند که از عقاید افراطی وی تأثیر می‌پذیرند؛ ضمن آنکه شدت اقدام‌های نژادپرستانه این گروه‌ها نیز افزایش خواهد یافت زیرا این افراد با توجه به پذیرفته‌نشدن در میان گروه‌های فاشیستی جهان (به خصوص روسیه) در پی آن‌اند که با افزایش شدت اقدام‌های خود و انتشار آن در فضای مجازی، اعتبار کسب کنند و از این طریق، مرهمی بر بحران هویت خود بگذارند؛ بنابراین با گسترش غیریت‌سازی ضد عرب‌ها، گروه‌های افراطی یهودی هم بیشتر می‌شوند و در انتها جامعه چندپاره صهیونیستی را با بحران‌های فزاینده مواجه می‌کنند.

آنچه فعالیت‌های جبهه راست افراطی به زعامت نتانیا هو، در بحبوحه قرارداد اسلو، بدان مشروعیت داد، همانا رسیدن به این نتیجه بود که می‌توان با اعمال زور از پیشبرد سیاست‌های فرد منتخب جلوگیری کرده، سیاست‌های مدنظر را جایگزین کرد؛ همین مشروعیت‌بخشی به استفاده از زور در پیشبرد اهداف که ارمغان راست‌گرایانی چون: نتانیا هو و لیبرمن است، جامعه اطلاعاتی اسرائیل را به این نتیجه رسانده که چالشی‌ترین تهدید برای اسرائیل، تهدید از جانب افراد یا گروه‌های یهودی

است؛ این در حالی است که دستگاه اطلاعاتی اسرائیل از درکی درستی درباره افراد و گروه‌های تندرو که حتی در زمان قدرت دولتی راست‌گرا، مجری عملیات‌های خطرناک هستند، ناتوان مانده‌است (۱۶: ۶۷۳، ۲۰۱۷، لاژا' ۴۱ تا ۴۵)؛ به‌علاوه، جنگ آتی، اگرچه ممکن است به‌صورت موقت هم‌بستگی برخی از گروه‌های صهیونیست را به‌دنبال داشته‌باشد، درعین‌حال به دلیل روش همیشگی رهبران اسرائیل مبنی بر بسیج اجتماعی از طریق غیریت‌سازی و نفرت‌پراکنی، چندبرابرشدن حملات نژادپرستانه و گروه‌های نئونازی را برای جامعه اسرائیل به‌ارمغان می‌آورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف یافتن تأثیر راست‌گرایی افراطی ضد عرب‌ها (به‌خصوص فلسطینیان) بر رشد گروه‌های نئونازی یهودی در داخل مرزهای اشغالی سامان‌یافته‌است؛ برای پاسخ‌گویی به این مسئله، رویکرد تحلیل پس‌رویدادی استفاده‌شده‌است؛ از آنجاکه این روش از اساس در جایی اعمال می‌شود که تنها یک گروه نمونه‌ای متمایز وجود دارد، روس‌ها به‌عنوان مهم‌ترین منبع راست‌گرایی افراطی و عقاید فاشیستی در اسرائیل انتخاب شده‌اند. پس از انتخاب نمونه به بررسی پدیده گروه‌های نئونازی یهودی پرداخته شده‌است؛ در توضیح علل ایجاد این گروه‌ها دو عامل درونی (کاست روس‌ها) و بیرونی (تأثیر نخبگان سیاسی راست‌گرا) بررسی شده‌اند.

در این نوشتار، عامل درونی خود به دو خرده‌عامل «عوامل در تعامل با جامعه» و «عوامل درونی کاست» تقسیم شده‌است. پس از بیان ابعاد دو عامل یادشده، این نتیجه ثابت شد که کاست روس‌ها به حالتی از انزوا و بحران هویت، دچار شده‌است. از آنجاکه هویت، دو قسم شناخت از خود و شناسایی توسط دیگران را دربرمی‌گیرد، روس‌ها در قسم دوم هویت بحران‌دارند؛ این بحران نیز شرایط مناسب برای افراط‌گرایی را مهیامی‌سازد.

رکن دوم این پژوهش، عامل بیرونی یعنی تأثیر نخبگان راست‌گرا بر ایجاد گروه‌های نئونازی است که به‌طورمستقیم با مسئله مقاله ارتباط دارد. یافته‌های این پژوهش، از تأثیرپذیری کاست روس‌ها به‌عنوان مهم‌ترین منبع گروه‌های نئونازی، از نخبگان راست‌گرای روس حکایت می‌کند.

روس‌ها به دلایل قومیتی و در تلاش برای کسب قدرت و مرهم‌نهادن بر زخم‌های هویتی خود، به‌شدت به پیروی از احزاب روس راست‌گرا با رهبری کاریزماتیک تمایل دارند؛ گذشته‌ازآن، حزب اسرائیل بیتنو به‌عنوان مهم‌ترین حزب مورد حمایت روس‌ها، همچون سایر احزاب راست‌گرای افراطی

پوپولیست، به‌طور عمیق، تحت تأثیر گرایش‌ها و نظریات رهبر خود، آویگدور لیبرمن، است. لیبرمن به‌عنوان پیشرو راست‌گرایی، دامنه غیریت‌سازی ضد عرب‌ها را بسیار گسترش می‌دهد؛ او علاوه بر فلسطینیان ساکن غزه و کرانه غربی رود اردن، عرب‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی و عرب‌های سایر کشورها را به نابودی تهدید می‌کند؛ به همین دلیل، حزب اسرائیل بیتنو به زعامت لیبرمن که به‌شدت بر کاست روس‌ها تأثیر می‌گذارد، نقطه عطف راست‌گرایی افراطی محسوب می‌شود. با وجود دو عامل بالا، بسترهای لازم برای گرایش روس‌ها (به‌خصوص نوجوانان و جوانان روس) به گروه‌های نژادپرست ایدئولوژی محور، فراهم شده‌است. برای سنجش این فرضیه، فراوانی اقدام‌های نژادپرستانه گروه‌های نئونازی استخراج شده‌است. با مطالعه آمار، این نتیجه به‌دست می‌آید که در زمان جنگ، اقدام‌های نژادپرستانه به بالاترین میزان خود می‌رسند؛ همچنین برآیند کلی این اقدام‌ها، روندی صعودی دارد.

غیریت‌سازی یادشده ضد عرب‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت، بسیج اجتماعی را در جنگ‌ها ایجاد می‌کند، در بلندمدت این غیریت‌سازی در داخل جامعه صهیونیستی گسترش می‌یابد؛ بدین ترتیب، نوک پیکان غیریت‌سازی از دشمنان خارجی به «غیرخودی‌های» داخلی تغییر کرده و دوگانه «ما» اسرائیلی‌ها در مقابل «دیگران» عرب، به «ما» روس‌ها در مقابل «دیگران» غیرروس تبدیل شده‌است. با قدرتمندتر شدن راست‌گرایان و اقبال به آنان در اسرائیل از یک سو و تلاش گروه‌های نژادپرست کنونی برای کسب اعتبار از طریق افزایش شدت اقدام‌ها انتظار می‌رود که گرایش‌های نئونازی در سرزمین‌های اشغالی روزبه‌روز بیشتر شوند؛ امری که تنها راه جلوگیری از آن، خودداری از راست‌گرایی افراطی ضد فلسطینیان است؛ حال آنکه برآیند سیاسی یک دهه اخیر اسرائیل، خلاف آن را نشان می‌دهد لذا رویکردهای ضد عرب مسئولان صهیونیست، درانتها گریبان جامعه صهیونیستی را خواهد گرفت.

منابع

۱- منابع فارسی

- گوهری مقدم، ا (۱۳۹۰)؛ «جهانی‌شدن و تروریسم جدید: ارائه مدلی مفهومی»، *دانش سیاسی*؛ سال هفتم، ش ۱، ص ۱۷۷ تا ۲۰۶.

۲- منابع عربی

- حیدر، ع (۲۰۱۱)؛ المجتمع و التركيب السكاني. در ك. منصور، دليل إسرائيل العام ۲۰۱۱ (الطبعة الأولى)؛ بيروت، لبنان: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.
- سعيد، خ (۲۰۱۴)؛ المهاجرون الروس قادمون .. إسرائيل إلى أين؟! (الطبعة الأولى)؛ بيروت، لبنان: مركز باحث الدراسات الفلسطينية والإستراتيجية.

۳- منابع عبری

بن צור, ב. (2017). אתגרי המודיעין בזירה הפנימית: טרור וחתרנות מדינית במגזר היהודי ש. אבן & ד. סימן טוב, (Eds.), **אתגרי קהילת המודיעין בישראל**. (pp. 41–48). תל-אביב, ישראל: המכון למחקרי ביטחון לאומי.

۴- منابع انگلیسی

- Al-Haj, M. (2004). *Immigration and Ethnic Formation in a Deeply Divided Society The Case of the 1990s Immigrants from the Former Soviet Union in Israel*. Leiden, Netherlands: Brill.
- Al-Haj, M. (2016). "Immigration and Conflict in a Deeply Divided Society: The Encounter between Russian Immigrants and the Indigenous Palestinian Minority in Israel." In E. Ben-Rafael, J. H. Schoeps, Y. Sternberg, & O. Gločckner (Eds.), *Handbook of Israel: Major Debates* (Vol. I, pp. 217-231). Berlin, Germany: Walter de Gruyter GmbH.
- Attwell, K. (2015). *Jewish-Israeli National Identity and Dissidence: The Contradictions of Zionism and Resistance*. Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.
- Bergman, R. (2018). *Rise and Kill First: The Secret History of Israel's Targeted Assassinations* (1st Edition ed.). New York, United States of America: Random House.
- Betz, H.-G., & Immerfall, S. (1998). *The New Politics of the Right: Neo-Populist Parties and Movements in Established Democracies*. New York: St. Martin's.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2000). *Research Methods in Education*. London: Routledge Falmer.

- Fearson, J. D. (1999). *What Is Identity (As We Now Use The Word)?* Stanford University, Department of Political Science, Stanford.
- Filc, D. (2010). *The Political Right in Israel: Different Faces of Jewish Populism (1st edition ed.)*. New York, NY: Routledge.
- Ghanem, A. (2013). *Ethnic Politics in Israel: The Margins and the Ashkenazi Centre (1st edition ed.)*. New York, NY, United States of America.
- Gilichenski, Z. (2002, December 30). *Anti-Semitism in Israel (Investigation)*. Retrieved October 4, 2017, from http://pogrom.org.il/eng_articles.php?art_id=1
- Gomel, E. (2009). *The Pilgrim Soul: Being Russian in Israel*. Amherst, United States of America: Cambria Press.
- Human Rights Watch. (2014). *"Make Their Lives Miserable" Israel's Coercion of Eritrean and Sudanese Asylum Seekers to Leave Israel*. Human Rights Watch.
- Kerlinger, F. N., & Rint, N. (1986). *Foundations of Behaviour Research*. London: Winston Inc.
- Remennick, L. (2016). "Russian-Speaking Israelis in the Ethno-Social Tapestry of Israel". In E. Ben-Rafael, J. H. Schoeps, Y. Sternberg, & O. Gločkner (Eds.), *Handbook of Israel: Major Debates* (Vol. I, pp. 201-216). Berlin, Germany: Walter de Gruyter GmbH.
- Rosenthal, D. (2005). *The Israelis: Ordinary People in an Extraordinary Land (Reissue edition ed.)*. New York, NY, United States of America: Free Press.
- Sela-Shayovitz, R. (2011). Neo-Nazis and moral panic: *The emergence of neo-Nazi youth gangs in Israel*. *Crime, Media, Culture*, 7(1), 67-82.
- Sela-Shayovitz, R., Pyrooz, D. C., & Decker, S. H. (2016). Israeli and US Gangs in the Virtual World: The Sociocultural Context of Gang Members' Online Activity. In C. L. Maxson, & F.-A. Esbensen (Eds.), *Gang Transitions and Transformations in an International Context* (1st Edition ed., pp. 115-135). Switzerland: Springer.
- Sela-Sheyovitz, R. (2012). "The Impact of Globalization, Migration, and Social Group Process on Neo-Nazi Youth Gangs". In L. M. Esbensen. Finn-Aage (Ed.),

Youth Gangs in International Perspective: Results from the Eurogang Program of Research (pp. 211-223). New York, NY, United States of America: Springer.

- Simon, M. K., & Goes, J. (2018, June 18). *Ex Post Facto Research*. Retrieved from Dissertation Success LLC.: <http://www.dissertationrecipes.com/wp-content/uploads/2011/04/Ex-Post-Facto-research.pdf>
- Titzmann. (2011). *Migration-Specific Hassles Among Adolescent Immigrants From the Former Soviet Union in Germany and Israel*. Journal of Cross-Cultural Psychology, 42(5), 777-794.
- Titzmann, P. F., Silberein, R. K., Mesch, G. S., & Schmitt-Rodermund, E. (2011). *Migration-Specific Hassles Among Adolescent Immigrants From the Former Soviet Union in Germany and Israel*. Journal of Cross-Cultural Psychology, 42(5), 777-794.
- Woodley, D. (2010). *Fascism and Political Theory Critical perspectives on fascist ideology*. New York, NY: Routledge.
- Yisrael Beytenu. (2018, June 18). *No Citizenship without Allegiance*. Retrieved from Yisrael Beytenu: <http://www.beytenu.org/judaism-without-hindrance/>

۵- منابع الکترونیکی

- ناطور، س. (نویسنده)، و حمدان، ب. (کارگردان) (۲۰۰۷)؛ *إسرائيل رؤية من الداخل - المهاجرون الروس .. رصید أم عبء؟. قطر: الجزيرة الوثائقیه*
۶. הרץ، ۶. (2017, March 16). *צלבי קרס וכתובות נאצה במאהז הקיצוני*. Retrieved September 28, 2017, from <http://www.kikar.co.il/225462.html>
۷. ערוץ ۷. (2013, March 13). *ניאונאצים בפסגת זאב*. Retrieved September 28, 2017, from <http://www.inn.co.il/News/News.aspx/252876>
۸. ב. א. (2017, March 15). *הכתובת על הקיר*. Retrieved September 20, 2017, from <https://www.yediot.co.il/articles/0,7340,L-4936080,00.html>